

دکتر حسن دادبان*

سخنرانی به مناسبت چهل و نهمین سالگرد استقلال کانون وکلای تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش خدای را که بعد از سال‌ها قضاوت و تدریس بنده را به دیاری رهنمون فرمود که در خاک پاک آن شهر قهرمان پرور چشم به جهان گشوده‌ام. دوران کودکی و قسمت اعظم دوران حساس جوانی بنده در تبریز گذشته و تحصیلات ابتدایی و متوسطه و قسمتی از تحصیلات عالی و بالاخره تدریس و قضاوت بنده در تبریز انجام شده است. و سپس راهی فرانسه شده‌ام و بیش از ده سال در دانشگاه پاریس به تحصیل حقوق و اقتصاد تا آگرم گاسیون اشتغال داشتم و در سال ۱۳۴۹ به میهن عزیزم بازگشتم. ابتدا به قضاوت و تدریس و از اول اسفند ماه ۱۳۵۰ با انتقال به دانشگاه تهران تنها به تدریس پرداخته‌ام. و امیدوارم تا پایان عمر به آن ادامه دهم. انشاءالله. گرچه به افتخار شغل شریف و پرزحمت وکالت دادگستری نیز نایل شده‌ام ولی این امر با این نیت بود که ارتباطم به عنوان مدرس حقوق با دادگستری قطع نشده و از این راه دستی از مظلومان نیازمند بگیرم. و در مدتی که این عنوان را داشتم فقط هر ماه به قبول یک فقره وکالت تسخیری بسنده می‌کردم.

ولی بنا به عللی در سال ۶۲ از تمدید پروانه صرف‌نظر کردم و فقط به تدریس پرداختم و امروز به این نتیجه رسیده‌ام که خداوند متعال بنده را یک معلم خلق کرده است نه بیشتر. و با این عنوان دعوت هیأت مدیره محترم کانون وکلا و رئیس محترم آن جناب آقای دکتر فرهودی را برای شرکت در چهل و نهمین سالگرد استقلال کانون وکلای محترم تبریز را با کمال افتخار پذیرفتم تا ضمن عرض تبریک انسان‌هایی را که در شرایط دشوار به عنوان وکیل و همکار طرف

دیگر میز قضاوت فعالیت می‌کنند، در ادامه راه پرزحمت شغل وکالت تشویق کنم. زیرا در عصر حاضر هر شخصی که در اجتماع زندگی می‌کند نیاز شدیدی به راهنمایی و کیلی باسواد، دلسوز، و معتقد به حکومت قانون دارد تا در فعالیتهای اجتماعی، شغلی، و زندگی خود دچار اشتباه نشود و با جرأت بیشتر و اعتماد به قانونی بودن اقدامات خود بدون دغدغه خاطر اقدام نماید. و چون به جهت کثرت و پیچیدگی قوانین و مقررات تقریباً کلیه اقدامات مالی و غیرمالی مهم دوجانبه یا چندجانبه (اعم از عمومی یا خصوصی) بدون مداخله وکیل به عنوان مشاور امین صورت نمی‌گیرد. و حتی برای اداره یک خانواده معمولی داشتن وکیل مانند طبیب امری ضروری به نظر می‌رسد. در این شرایط، شغلی که این چنین مورد نیاز جامعه است و در دنیای امروز که مقررات اغلب شئون آن فوق‌العاده پیچیده و فنی بوده و به قطر و تعداد مجموعه قوانین مختلف دائماً افزوده می‌شود بدون اطلاع و تسلط به قوانین و مقررات حاکم بر آن ساده‌ترین فعالیت اجتماعی ممکن است با منافع دیگران در تماس و حتی در تضاد باشد لذا باید خود این حرفه مهم دارای نظام صنفی معتبر و با شخصیت حقوقی مستقل باشد. تا اولاً در مراجعه به مراجع و مقامات اداری، اجتماعی و مخصوصاً دادگستری، شأن و منزلت وکلا بهتر حفظ شود و ثانیاً بتوانند از حقوق قانونی موکل خود به نحو شایسته دفاع کنند.

خوشبختانه در ۱۳۳۳، با تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری برای بار اول با استفاده از اختیارات دولت وقت تأمین و بعد از سقوط دولت در تاریخ پنجم اسفند ۱۳۳۳ به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین رسیده و با تصویب نهایی مجلسین موقتاً قابل اجرا اعلام و این استقلال ادامه دارد.

در این لایحه کانون وکلا موسسه مستقل با شخصیت حقوقی در مقرر هر دادگاه استان تشکیل گردید. و دارای چهار رکن اساسی است که ادامه استقلال آن را تأمین می‌کند: هیأت عمومی، هیأت مدیره و دادرسی انتظامی و دادگاه انتظامی وکلا، که هر یک از این ارکان وظایف بس مهمی را به عهده دارند. گرچه در نظام فعلی مدت بالنسبه زیادی اجرای آن به حال تعلیق درآمد ولی خوشبختانه چند سالی است کانون وکلا در مرکز و سایر استان‌های حائز شرایط استقلال عملی خود را بازیافته و امید است اقدامات دیگری که اخیراً انجام شده است ملاً آسیبی به استقلال و شخصیت حقوقی کانون و نقش وکیل در دادگستری نزنند.

و اما نقش وکیل دادگستری: در این زمینه نوشته آقای دکتر احمد هومن وکیل محترم

«در جوامع متمدن امروزی وکیل دادگستری مظهر از خودگذشتگی، جرأت، شهامت، مظهر آزادی و حق و عدالت، حامی مظلوم و دشمن سرسخت ظلم و استبداد و بی‌قانونی شناخته می‌شود.»

«معیار و سنگ محک هر کشور متمدن وضعی است که وکلای مدافع آن کشور دارند. اگر چنانچه جامعه وکلا طبق قوانین و مقررات مصوب آزادی عمل داشته و بتوانند از حقوق مردم دفاع کنند آن جامعه را مرفعی و آزاد می‌نامند.»

«و اگر وکلای دادگستری آزادی عمل نداشته، مثل مستخدمین دولت فرمانبردار و آتش بیار معرکه به حساب بیایند آن جامعه را مطلق خواه و دیکتاتوری می‌نامند.»

«اولین اجتماعی که برای وکیل دادگستری حق و مقامی قائل بوده است دیوان مهد افلاطون، ارسطو، سقراط و هزاران فلاسفه به نام دیگر است.»

«در جوامع قدیمی‌تر از قبیل مصر، بابل، کلد، آشور و ایران وکیل دادگستری وجود نداشته است.»

«از اوایل قرن ۱۶ میلادی در اروپا که ارزش فرد در جامعه مسجل شده وکیل مدافع جزء لازم زندگانی اجتماعی شناخته شده است.»

«قرن ۱۹ دوران تجلی آزادی و آزادی‌خواهی و آزاداندیشی است. وکلای مدافع که حامیان حق و عدالت و آزادی بوده‌اند گل سرسبد جامعه قلمداد می‌شدند و به قول استاندال^۱ قرن ۱۹ را باید قرن آزادی و یا قرن وکیل دادگستری حامیان آزادی نامید.»

«وقتی که آزادی افراد کامل بوده و اصل احترام فرد و مصونیت اجتماعی شخص جزو مسلمات قلمداد می‌شده است مقام و منزلت وکیل دعاوی زیادتر بوده و تأثیر نطق و بیان و حمایت وکلا از مردم بیشتر شده است.»

«اعلامیه ۲۶ اوت ۱۷۸۹ انقلاب فرانسه در ماده ۷ صراحتاً اصل احترام فرد را منجزاً اعلام کرده و به جهانیان آموخته است که هیچکس را نمی‌توان بازداشت یا زندانی و حتی متهم نمود مگر به حکم قانون و طبق مقررات قانونی.»

«در ماده ۹ همان اعلامیه اصل براهت متهم تصریح شده است. بدین مضمون «هرکس تا خلاف آن ثابت نشده است بیگناه است.» جز در موارد ضروری و به جهات قانونی نباید کسی را

بازداشت نمود. اگر چنانچه ثابت شد که برای بازداشت غیرضروری شخصی اقدام شده و یا سختگیری نامتناسب به عمل آمده است مرتکب به سختی به مجازات خود خواهد رسید.» (مجله کانون وکلا، شماره ۵، سال ۱۳۳۵). ناگفته نماند که از نیمه دوم قرن بیستم در اغلب ممالک اروپائی خسارت بازداشت منجر به براءت متهمانی تحت شرایطی جبران می‌شود.

گرچه در این چند سطر مجال تجزیه و تحلیل حقوق اسلام درباره وکالت و قضاوت نیست ولی جا دارد که گفته شود که اگر اروپا در قرن ۱۸ این اصل را پذیرفته، حقوق اسلام ۱۴۰۰ سال پیش اصالة البرائه را قبول و اعلام کرده است. در خاتمه با اشاره به خلاصه ترجمه مصوبات کنگره‌های بین‌المللی رم و آتن که اشاراتی صریح به دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی دارد عرایض خود را خاتمه می‌دهم.

در کنگره بین‌المللی حقوق کیفری رم (۱۹۵۳) برای تأمین آزادی فردی مقررات زیرین از طرف پنجاه و هفت کشور پذیرفته شده و سرمشق کار قرار گرفته است.

۱. نظارت دادگستری به کلیه فعالیت‌ها و اقدامات پلیس، عدم دخالت سیاست روز در جریان کارها و دقت در انتخاب پلیس‌های باشخصیت، ایمان و طرفدار حق و حقیقت با ضمانت انضباطی شدید.

۲. لزوم مداخله بازپرس از اولین اقدام پلیس بعد از پرسیدن اسم.

۳. عدم کوچکترین سختگیری روحی و جسمی برای تحصیل اقرار.

۴. موضوعیت نداشتن صرف اقرار.

۵. خودداری از بازداشت موقت متهم جز در موارد ضروری و فوری.

کنگره آتن ۱۹۵۵ - که بعد از یک ماه بحث از طرف ۴۸ کشور اصول چهارگانه زیر به نام منشور آزادی و آزادیخواهی ملل تصویب شده است.

۱. دولت و دستگاه‌های آن باید تابع قانون بوده و مطابق قانون اقدام کنند.

۲. لزوم نصب‌العین قرار دادن آزادی افراد از طرف دولت.

۳. الزام قضات به حق و عدالت و توجه تنها به ندای وجدان و نه به دسته‌بندی‌های حزبی و

تمایلات سیاسی دولت‌ها.

۴. الزام وکلای دادگستری به حمایت از حق و عدالت و دفاع از مظلوم به عنوان مظهر

استقلال و آزادیخواهی به منظور محاکمه متهمین با کمال آزادی و شرافتمندی بدون فشار.

خاتمه می‌دهم.

«یا داود انا جعلناک خلیفةً فی الارض فاحکم بین الناس بالحق.» و این آیه منادی حق و

عدالت در حقوق اسلامی است.